



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت

دانشکده اخلاق
رشته تربیت اخلاقی
پایان نامه کارشناسی ارشد

ترجمه و نقد فصل‌هایی از کتاب «راهنمای تربیت اخلاقی و منش»

استاد راهنما

جناب حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسین دیبا

استاد مشاور

جناب آقای سید رحیم راستی تبار

دانش‌پژوه

محمدجواد یآوری

(بهمن ۱۳۹۹)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت

دانشکده اخلاق
رشته تربیت اخلاقی
پایان نامه کارشناسی ارشد

ترجمه و نقد فصل‌هایی از کتاب «راهنمای تربیت اخلاقی و منش»

استاد راهنما

جناب حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسین دیبا

استاد مشاور

جناب آقای سید رحیم راستی تبار

دانش‌پژوه

محمدجواد یآوری

(بهمن ۱۳۹۹)

صورتجلسه دفاع

تعهدنامه اصالت پایان نامه

این جانب محمدجواد یاوری فرزند علیرضا متولد ۱۳۶۳ به شماره شناسنامه ۲۶۴ صادره از بردسیر به شماره دانش پژوهی ۹۵۱۱۲۰۰۰ رشته تربیت اخلاقی متعهد می شوم که مطالب مندرج در این پایان نامه حاصل کار پژوهشی این جانب است و دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این زمینه از آنها استفاده شده است مطابق مقررات ارجاع و در فهرست منابع و مآخذ ذکر گردیده است.

این پایان نامه قبلاً برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است. در صورت اثبات تخلف (در هر زمان) مدرک تحصیلی صادر شده توسط مؤسسه از اعتبار ساقط خواهد شد.

محمدجواد یاوری

امضاء حقوق مادی و معنوی پایان نامه

چاپ و انتشار پایان نامه های تحصیلی دانش پژوهان مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت بیانگر بخشی از فعالیت های علمی پژوهشی مؤسسه است.

این جانب محمدجواد یآوری دانش پژوه رشته تربیت اخلاقی مقطع کارشناسی ارشد، متعهد می گردم موارد ذیل را در خصوص حقوق مادی و معنوی پایان نامه ام با موضوع:

«ترجمه و بررسی فصولی از کتاب راهنمای تربیت اخلاقی و منش»

رعایت نمایم و در صورت تخلف از موارد ذیل، کلیه تبعات حقوقی آن بر عهده این جانب خواهد بود:

۱. در صورت اقدام به چاپ پایان نامه، مراتب را قبلاً به صورت کتبی به معاونت پژوهش مؤسسه اطلاع دهم و در صورت تمایل مؤسسه به چاپ پایان نامه به صورت کتاب، اولویت با مؤسسه خواهد بود.
۲. در صورت موافقت معاونت پژوهش با چاپ پایان نامه به صورت کتاب توسط دانش پژوه، در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه) عبارت ذیل چاپ گردد:
«کتاب حاضر حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته تربیت اخلاقی است که در سال ۱۳۹۹ در مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت به راهنمایی آقای حجت الاسلام دکتر حسین دیبا و مشاوره آقای سید رحیم راستی تبار از آن دفاع شده است.»
۳. به منظور غنی سازی منابع و مآخذ کتابخانه مؤسسه، دو نسخه از آن به کتابخانه و دو نسخه نیز جهت بهره برداری به معاونت پژوهش اهدا خواهد شد.

محمدجواد یآوری

امضاء

تقدیم به:

ساحت مقدسه و منوره بانوی دو عالم و سیده و سرور زنان عالمین؛ حضرت فاطمه زهرا (سلام الله و سلام ملائکته و عبادہ المنتجبین علیها و علی آبہا و بعلہا و بنیہا)، که حلقه وصل رسالت و ولایت و امامت بود، و با تربیت سلاله ای نورانی در دامن مطهره‌اش مسبب تربیت انسان‌ها تا ظهور فرزندش مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف گردید.

چکیده:

اثر حاضر ترجمه و نقد فصل‌هایی از کتاب "راهنمای تربیت اخلاقی و منش" (Handbook of Moral and Character Education) می‌باشد که به موضوعاتی مانند نقش محیط‌های اصلی مانند مدرسه و جامعه در تربیت اخلاقی و نقش وابستگی‌های اجتماعی و تعاملات بین افراد بر تربیت اخلاقی و منش پرداخته‌اند که به قلم لری پ. نوچی و داریا ناروائز به رشته تحریر در آمده است.

فصل اول به بررسی جایگاه و نقش و تاثیر محیط‌هایی مانند مدرسه و جامعه بر تربیت اخلاقی می‌پردازد که نقشی اصلی و اساسی در این مهم دارند. زیرا می‌توان با اصلاح و ارتقاء هنجارهای اخلاقی درون یک جامعه به اصلاح و سامان دادن تربیت اخلاقی افراد نائل آمد. لذا راه حل رسیدن به تربیت اخلاقی مطلوب این است که ابتدا به اصلاح اخلاقی جامعه و هنجارهای اخلاقی جامعه بپردازیم.

در فصل دوم به بررسی وابستگی‌های متقابل اجتماعی در تربیت اخلاقی و منش پرداخته شده است. در این فصل برای اصلاح و ارتقاء ارزش‌های اخلاقی و سطح استدلال اخلاقی دانش‌آموزان، توصیه به چند امر می‌کند؛ اینکه دانش‌آموزان سعی کنند که بیشتر وقتشان را در موقعیت‌های مشارکتی و همیارانه بگذرانند و معلمان نیز فضای گفتگو و بحث سازنده را بین دانش‌آموزان فراهم نمایند و شیوه مشارکت در مذاکرات حل مساله و میانجی‌گری همسالان را به دانش‌آموزان بیاموزند.

فصل دیگر به روابط همسالان و گروه‌های اجتماعی در تربیت اخلاقی و منش می‌پردازد. نویسنده در این فصل گروه‌های همسالان را بستری مهم برای رشد نوجوانان می‌داند که مانند سایر بسترهای رشدی می‌تواند تاثیرات مثبت و منفی‌ای در رشد اخلاقی نوباوگان داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: تربیت، اخلاق، تربیت اخلاقی، تربیت منش، منش

فهرست مطالب

فصل اول: مقدمه..... ۱

۱-۱ پیشگفتار..... ۱

۱-۲ در مورد کتاب و نویسندگان..... ۴

۱-۳ بخش‌های تشکیل دهنده کتاب..... ۴

۱-۴ لزوم و ضرورت ترجمه..... ۵

فصل دوم: مدرسه، جامعه و تربیت اخلاقی..... ۷

۲-۱ نقدی اجتماع‌گرایانه به تحصیل: چرا مدارس در تایید هنجارها مشکل دارند؟..... ۸

۲-۲ هنجارسازی، شیوه‌ها و موضوعات درسی..... ۱۶

۲-۳ جامعه، نظام حکومتی حکومت و رشد اخلاقی..... ۲۸

۲-۴ نتیجه‌گیری..... ۳۵

۲-۴-۱ نظر نهایی..... ۳۸

۲-۵ بررسی و تأمل..... ۳۹

فصل سوم: وابستگی متقابل اجتماعی، منش اخلاقی و تربیت اخلاقی..... ۴۷

۳-۱ نظریه وابستگی متقابل اجتماعی..... ۵۰

۳-۱-۱ فرایندهای روانشناختی..... ۵۱

۳-۱-۲ قابلیت جایگزینی..... ۵۲

۳-۱-۳ الگوبرداری و اقدامات اجتماعی نیابتی..... ۵۲

۳-۱-۴ القاء‌پذیری..... ۵۳

۳-۱-۵ انرژی‌گذاری..... ۵۳

۳-۱-۶ اعتبارسنجی پژوهش..... ۵۵

۳-۱-۷ جدول شماره ۳. ۱..... ۵۶

۵۶.....	۳-۱-۸ الگوهای تعامل.....
۵۷.....	۳-۱-۹ قدرت مساوی در برابر قدرت نامساوی و تعامل هم‌افزا.....
۵۸.....	۳-۱-۱۰ پیامدها.....
۵۹.....	۳-۱-۱۱ رفتارهای اجتماعی.....
۶۰.....	۳-۱-۱۲ اتخاذ دیدگاه.....
۶۱.....	۳-۱-۱۳ سطح استدلال شناختی و اخلاقی.....
۶۱.....	۳-۱-۱۴ اشتغال به وظیفه.....
۶۲.....	۳-۱-۱۵ هویت اخلاقی.....
۶۳.....	۳-۱-۱۶ شمول اخلاقی و دامنه عدالت.....
۶۴.....	۳-۱-۱۷ عدالت و انصاف.....
۶۶.....	۳-۱-۱۸ منفعت مشترک.....
۶۶.....	۳-۱-۱۹ ارزش‌ها.....
۶۸.....	۳-۱-۲۰ جدول شماره ۳. ۲.....
۷۰.....	۳-۱-۲۱ ارزش‌گذاری خود.....
۷۰.....	۳-۱-۲۲ تعمیم منفعت شخصی به منفعت متقابل.....
۷۱.....	۳-۱-۲۳ ماهیت یادگیری مشارکتی.....
۷۳.....	۳-۲ بحث و گفتگوی سازنده.....
۷۴.....	۳-۲-۱ نظریه‌ی بحث و گفتگوی سازنده.....
۷۵.....	۳-۲-۳ بحث و گفتگو: روال آموزشی.....
۷۷.....	۳-۲-۴ تاثیر بحث و گفتگو بر تربیت اخلاقی.....
۷۷.....	۳-۲-۵ ارزش‌ها.....
۷۸.....	۳-۲-۶ جدول شماره ۳. ۳.....
۷۸.....	۳-۲-۷ اتخاذ دیدگاه.....
۷۹.....	۳-۲-۸ سطح استدلال شناختی و اخلاقی.....
۸۰.....	۳-۲-۹ ذهنیت باز.....

- ۳-۲-۱۰ انگیزه مستمر برای یادگیری..... ۸۱
- ۳-۲-۱۱ روابط مثبت بین طرفین بحث..... ۸۱
- ۳-۲-۱۲ ارزش‌گذاری یادگیری..... ۸۱
- ۳-۲-۱۳ ارزش‌گذاری برای خود..... ۸۲
- ۳-۳ آموزش حل و فصل تعارضات..... ۸۲
- ۳-۳-۱ آموزش صلح‌جویی به دانش‌آموزان..... ۸۲
- ۳-۳-۲ گفتگوهای حل مساله..... ۸۳
- ۳-۳-۳ میانجیگری همسالان..... ۸۳
- ۳-۳-۴ اجرای برنامه صلح‌جویی..... ۸۴
- ۳-۳-۵ آموزش حل تعارض و تربیت اخلاقی..... ۸۵
- ۳-۳-۶ ارزش‌ها..... ۸۵
- ۳-۳-۷ ارزش قائل شدن برای تضاد..... ۸۵
- ۳-۳-۸ انصاف و عدالت..... ۸۶
- ۳-۳-۹ جدول شماره ۳. ۴..... ۸۶
- ۳-۴ تربیت اخلاقی و ایجاد دموکراسی..... ۸۷
- ۳-۴-۱ جدول شماره ۳. ۵..... ۸۹
- ۳-۵ پایان دادن به انزوا و بیگانگی..... ۹۰
- ۳-۶ نتیجه‌گیری و رهنمودها..... ۹۱
- ۳-۷ بررسی و تأمل..... ۹۲

فصل چهارم:

- روابط همسالان و گروه‌های اجتماعی : پیامدهایی برای تربیت اخلاقی..... ۹۹
- ۴-۱ همسالان و تربیت اخلاقی در مدرسه: چهار رویکرد..... ۱۰۴
- ۴-۲ رویکرد مدرسه جامعه‌ی عادلانه..... ۱۰۵
- ۴-۳ تربیت ساختارگرایانه..... ۱۰۷

- ۴-۴ اتخاذ دیدگاه اجتماعی، میانجی‌گری همسالان و یادگیری مشارکتی..... ۱۰۷
- ۴-۵ تربیت هدایت شده در قملرو اجتماعی..... ۱۰۹
- ۴-۶ روابط همسالان و رشد اجتماعی و اخلاقی..... ۱۱۱
- ۴-۶-۱ ساختار و عملکرد روابط همسالان..... ۱۱۱
- ۴-۷ نقش تعاملات در تقویت رشد اخلاقی..... ۱۱۴
- ۴-۸ ایفای نقش اجتماعی..... ۱۱۴
- ۴-۹ تعارض همسالان..... ۱۱۶
- ۴-۱۰ نقش دوستی در تقویت رشد اخلاقی..... ۱۱۸
- ۴-۱۱ روابط متقابل و انصاف..... ۱۱۸
- ۴-۱۲ رفتارهای مطلوب اجتماعی..... ۱۲۰
- ۴-۱۳ نقش گروه‌ها در پرورش رشد اخلاقی..... ۱۲۲
- ۴-۱۳-۱ طرد و پذیرش در گروه‌های کودکان و نوجوانان..... ۱۲۲
- ۴-۱۵ پیامدهایی برای شیوه‌ها، سیاست‌ها و برنامه‌های مدرسه و کلاس..... ۱۲۶
- ۴-۱۶ نتیجه‌گیری..... ۱۳۱
- ۴-۱۷ بررسی و تأمل..... ۱۳۱
- ۴-۱۸ چکیده انگلیسی..... ۱۴۰

فصل اول

مقدمه

فصل اول

پیشگفتار

باسمه تعالی

«وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»، «و برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش او نیست». سوره مبارکه نجم آیه ۳۹.

در دنیایی که خداوند انسان را برای رسیدن به هدف و خواسته‌هایش، چه دنیوی و چه اخروی توصیه به تلاش و کوشش نموده است، و انبیاء و اوصیا نیز به این مطلب تاکید فراوان نموده‌اند که؛ آدمی در راه هرچیزی تلاش و سعی نماید به آن خواهد رسید. ما نیز برای رسیدن به خواسته‌ی خویش یعنی جامعه‌ای اخلاقی باید از تلاش در هر زمینه‌ای که رساننده ما به مقصودمان باشد دریغ نورزیم. در امر خطیر تربیت و تزکیه اخلاقی، یکی از عرصه‌هایی که می‌تواند کمک شایانی به ما نماید، استفاده از تجارب و دستاوردهای کسانی است که قدم‌هایی مفید و سازنده در این مسیر برداشته‌اند.

بی شک برترین سرمایه‌های ما در امر تربیت اخلاقی آموزه‌ها و تعالیمی است که از مصدر ربوبی توسط وحی الهی به ما رسیده و سپس کلمات و جملات نورانی و سیره معصومین علیهم السلام در زمینه مسائل تربیتی می‌باشد که این نیز به دلیل اتصال به منبع نور الهی روشنگر مسیر پرمخاطره و حساس تعلیم و تربیت می‌باشد.

اما همانگونه خودشان فرمودند: عَلَيْنَا إلقاءُ الاصول و عليكم التفريع. بیان اصول بر عهده ما و تطبیق جزئیات بر این اصول وظیفه شماست. لذا در تمام امور مربوط به زندگی دنیوی و اخروی انسان و بالتبع امر تربیت، خطوط کلی، اصول و کلیات مسائل در کلام نورانی ایشان موجود است و استخراج فروعات و تطبیق آنها بر این کلیات برعهده دانشمندان و علمای امر تربیت می‌باشد.

از این‌رو بر ماست که در این مسیر بسیار مهم از آیات و روایات معصومین علیهم السلام و کلمات ارزشمند علمای اسلام کمال استفاده را ببریم. همانطور که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

«اطلبوا العلم و لو بالصَّيْن». علم را کسب کنید هرچند در چین باشد، شاید بتوان گفت که این تنها به معنی بُعد مسافت نیست، بلکه به این معناست که علم را باید طلب کرد حتی اگر در دیار کفر باشد. تایید این مطلب کلام نورانی امیرمومنان علی علیه السلام است که فرموده‌اند: « خذوا الحکمه ولو من المشرکین » حکمت را کسب کنید ولو از مشرکین.

همانطور که شاهدیم امروزه در جوامع غیر اسلامی و غربی در امر تعلیم و تربیت کارهایی پسندیده‌ای انجام شده است که دانشمندان علوم تربیتی آنجا قدم‌هایی مفید در این زمینه برداشته اند، و ما نیز می‌توانیم با تطبیق آنها بر اصول، خطوط و فرامین اسلامی از آنها در زمینه تعلیم و تربیت استفاده نمائیم. از این رو بر آن شدیم که با کمک اساتید معزز راهنما و مشاور فصولی چند از این کتاب را ترجمه و سپس نظرات مطروح در آن‌ها را بررسی نمائیم. باشد که مورد استفاده دغدغه‌مندان امر تعلیم و تربیت اخلاقی قرار گیرد. چه آنکه متأسفانه تأثیر فراوان فرهنگ و سبک زندگی غرب بر جامعه ما باعث شباهت‌های زیادی بین جوامع اسلامی و غیراسلامی و معضلات اخلاقی و تربیتی این جوامع گردیده است. لذا می‌توان از نظریات و مطالب مکتوب و غیر مکتوب دانشمندان آن جوامع البته با تطبیق بر تعالیم و دستورات اسلام استفاده کرد.

کتاب "Handbook of Moral and Character Education" به قلم آقای لری نوچی و دارسیا نارواژ، یکی از کتبی است که به صورت کاربردی و جزئی به مسائل تربیت اخلاقی و منش پرداخته است.

فصولی که این جانب برای ترجمه انتخاب نمودم به بررسی مسائل ذیل در امر تربیت اخلاقی و منش پرداخته است.

در فصل اول "مدرسه، جامعه و تربیت اخلاقی" نویسنده به بررسی نقش محیط به عنوان عنصری بسیار مهم و تأثیرگذار در امر تربیت افراد پرداخته است. نویسنده تربیت اخلاقی را نه مبتنی بر محتوایی از پیش تعیین شده می‌داند و نه مبتنی بر اینکه بگوییم کلاً تربیت اخلاقی حاصل فرهنگ و سنن جوامع است و براساس فرهنگ و سنن جوامع شکل می‌گیرد، بلکه نظر سومی ارائه داده و آن نظر این هست که به اعتقاد او می‌توان فرهنگ و سنن و به طور کلی ارزش‌های اخلاقی و هنجارهای یک جامعه را

ارتقاء داد یا اصلاح کرد و یا حتی فرهنگی خاص و ارزش های اخلاقی خاصی را در یک جامعه ایجاد کرد و بعد مبتنی بر آن ارزش ها و هنجارهای ایجاد شده یا اصلاح شده در جامعه، تربیت اخلاقی آن جامعه را سامان داد. به همین جهت نویسنده معتقد است که راه تربیت اخلاقی این هست که جامعه را سالم سازی کنیم، نه اینکه محتوایی را که در تربیت اخلاقی به دانش آموزان القاء می کنیم از قبل تعیین کنیم.

در واقع نویسنده می پذیرد که تربیت اخلاقی تحت تاثیر فرهنگ و هنجارهای جامعه شکل می گیرد ولی معتقد است که آن هنجارهای جامعه را می شود اصلاح کرد یا تغییر داد یا از اول شکل داد و در این صورت تربیت اخلاقی هم به نوعی چون متاثر از جامعه هست تغییر می کند و شکل درستی را پیدا می کند که تامین کننده صداقت و عدالت و بقیه ارزش های اخلاقی خواهد بود.

در فصل بعد نویسنده به بررسی وابستگی های اجتماعی در امر تربیت اخلاقی و منش می پردازد که تاثیر این وابستگی در این امر کاملاً مشهود و عیان است و می تواند در رسیدن به هدف تربیت اخلاقی بسیار مفید باشد. نویسنده بر این باور است که باید کودکان را تشویق به حضور در موقعیت های مشارکتی و همیارانه نمود نه موقعیت های رقابتی، تا ازین رهگذر بتوانند ارزش ها و شایستگی های اخلاقی همیارانه را درونی سازی نمایند. و نیز به معلمان و مربیان توصیه می کند که با ایجاد گفتگوهای سازنده بین دانش آموزان و آموختن نحوه مشارکت در مذاکرات حل مساله و میانجی گری همسالان به آنها به رشد اخلاقی در آنها کمک نمایند.

فصل آخر نیز به موضوع روابط همسالان و گروه های اجتماعی در قلمرو تربیت اخلاقی پرداخته که ما نیز می توانیم با تحلیل و بررسی آن به نکات مفید فائده ای در این زمینه دست یابیم.

نویسنده بر این باور است که تربیت اخلاقی، نتیجه ی اقتدار یک جانبه و اجتماعی سازی از بالا به پایین نیست، بلکه از تجربیات کودکان در روابط متقابل و همکاری با سایر اعضای جامعه در محیط - شان ساخته می شود. یعنی افراد درک خود را از اخلاق و دانش اخلاقی از طریق تعامل با همسالان خود، و همچنین با مشارکت در روابط متقابل یا «همسال گونه» با بزرگسالان می سازند. در این تعاملات است که کودک به رشد اخلاقی و توانایی حل تعارضاتی که ممکن است با همسالان خود پیدا کند دست می یابد.

در مورد کتاب و نویسندگان

کتاب "Handbook of Moral and Character Education" راهنمای تربیت اخلاقی و

منش^۱، توسط آقای لری پ. نوچی^۱ و خانوم داریا ناروائز^۲ به رشته تحریر درآمده است.

لری نوچی، استاد راهنمای دانشکده تحصیلات تکمیلی در دانشگاه کالیفرنیا و دارای مدرک دکتری از دانشگاه کالیفرنیا-سانتا کروز می باشد، او هم اکنون مطالعات اجتماعی و اخلاقی کودکان را آموزش می‌دهد. از وی کتاب‌ها و تالیفات زیادی به چاپ رسیده که یکی از آنها کتاب "تربیت در قلمرو اخلاق" چاپ ۲۰۰۱ دانشگاه کمبریج می‌باشد.

خانوم داریا ناروائز نیز دارای مدرک دکتری از دانشگاه مینسوتا و عضو انجمن روانشناسی و انجمن تحقیقات آموزشی آمریکا می‌باشد. او سردبیر مجله "تربیت/اخلاقی" است. کتاب‌ها و مقالات متعددی از وی برنده جوایز شده‌اند. کتاب "عصب‌شناسی و توسعه‌ی اخلاق/انسانی" وی برنده‌ی جایزه‌ی کتاب ویلیام جیمز در سال ۲۰۱۵ از انجمن روانشناسی آمریکا و نیز در سال ۲۰۱۷ برنده‌ی جایزه‌ی علمی گردید. از دیگر کتاب‌های وی می‌توان به کتاب‌های "تحویشتن و هویت" ۲۰۰۷، "حساسیت اخلاقی"، "انگیزش/اخلاقی" ۲۰۰۹ اشاره نمود.

بخش‌های تشکیل دهنده کتاب

کتاب حاضر دارای ۵ بخش اصلی و زیرفصل‌هایی مربوط به آن می‌باشد. فصول اصلی کتاب عبارتند از:

- تعریف رشته: مبانی تاریخی، فلسفی و روش شناختی. که برخی از زیر فصل‌های آن پشتوانه‌های فلسفی، هویت اخلاقی؛ هدف تعلیم و تربیت، مدرسه، جامعه و تربیت اخلاقی، تربیت منش؛ تربیت فضیلت و زیرفصل‌های دیگر می‌باشند.

¹ Larry P. Nucci

² Darcia Narvaez

- روابط در مدارس و کلاس‌ها. این بخش نیز از زیرفصل‌هایی نظیر: مراقبت و تربیت اخلاقی، وابستگی اجتماعی، منش اخلاقی و تربیت اخلاقی، روابط هم‌سالان و گروه‌های اجتماعی: دلالت‌هایی برای تربیت اخلاقی و چند زیرفصل دیگر تشکیل شده است.
- رویکردهای معاصر. در این بخش به فصل‌هایی مانند: نظریه‌ی قلمرو شناختی اجتماعی و تربیت اخلاقی، رویکردهای ساختارگرایانه به تربیت اخلاقی در کودکی اول، مدارس هوشمند و ممتاز: الگوی جدید برای تربیت منش در دبیرستان، پرورش رشد اخلاقی و اجتماعی دانشجویان دانشگاه و فصولی دیگر پرداخته می‌شود.
- تربیت اخلاقی و منش فراتر از کلاس درس. برخی از فصل‌های ذیل این بخش نیز عبارتند از: تأثیرات اخلاقی و اجتماعی آموزش برای خدمت، ورزش و رشد منش، سهم جامعه در رشد اخلاقی و منش، رسانه و رفتارهای اجتماعی در کودکان و نوجوانان.
- مسائل حرفه‌ای. در این بخش نیز به فصولی چند مواجهه می‌شویم مانند: راه آینده برای تربیت اخلاقی حرفه‌ای؛ هدایت شده توسط نظریه و مبتنی بر ادله، آموزش معلم برای تربیت اخلاقی و منش، آموزش اخلاقی به عنوان یک شرط اخلاقی حرفه‌ای.

لزوم و ضرورت ترجمه

تربیت اخلاقی در جهان معاصر از جمله مهمترین دغدغه‌های جوامع بشری می‌باشد که تلاش‌های فراوان علمی و عملی را به خود اختصاص داده است. افول اخلاق در کشورهای مختلف آثار مخرب بسیاری را برجای گذاشته است که روشن‌ترین آنها گسترش وسیع جرم و جنایت و ازدیاد روزافزون آمارها در این زمینه است. در بسیاری از موارد آغازین این نابهنجاری‌ها از دوران نوجوانی و جوانی و در مواردی از دوران کودکی است. این همه سبب گردیده که مواجهه با این امر به صورت علمی و روش‌مند مورد توجه قرار گیرد و آنچه در این میان سهمی اساسی در سامان دادن وضعیت موجود است اهتمام به رشد و توسعه دانش تربیت اخلاقی است.

مباحث در زمینه رشد اخلاق عمدتاً معطوف به دو دانش "روانشناسی اخلاق" و "تربیت اخلاقی" است که اولی ناظر به مباحث توصیفی در زمینه چگونگی تحقق رشد اخلاقی و دومی ناظر به ارائه توصیه‌های لازم به مربیان جهت راهنمایی ایشان در مسیر وظائف تربیتی آنها می‌باشد. براین اساس

دانش تربیت اخلاقی با بهره گرفتن از یافته‌ها در دانش روانشناسی اخلاق، روش‌های قابل قبولی را برای زمینه‌سازی و تحقق رشد اخلاقی به مربیان توصیه می‌کند. البته باید توجه داشت که دانش تربیت اخلاقی به عنوان دانشی مصرف کننده از سایر علوم از جمله دانش‌های وابسته به جامعه‌شناسی و روانشناسی نیز بهره می‌گیرد و در این میان روانشناسی اخلاق یکی از آنها و البته مهمترین آنها می‌باشد.

امروزه در مراکز پژوهشی محققان فراوانی در زمینه تربیت اخلاقی به امر تحقیق و پژوهش اشتغال دارند که حاصل این تلاش‌ها تدوین هزاران کتاب و مقاله است که کشور ما سهم بسیار اندکی از این تحقیقات را به خود اختصاص داده است و این در حالی است که اهتمام به اخلاق و تربیت اخلاقی در یک حاکمیت دینی می‌بایست قاعدتا از مهمترین اولویت‌های پژوهشی باشد. این ضعف و کاستی تنها به پژوهش در زمینه مباحث تربیت اخلاقی در قالب آکادمیک غربی آنها اختصاص ندارد و سوگ‌مندانه باید اذعان کرد که تحقیق و پژوهش در زمینه تربیت اخلاقی در سنت اسلامی به صورت کلاسیک نیز در غایت ندرت است.

با توجه به نکات پیش گفته، انتقال دانش و تجربه بشری در زمینه تربیت اخلاقی از طریق آثار علمی و متقن دانشگاهی به همراه استحصال شیوه‌های تربیت اخلاقی از آموزه‌های دینی از مهم‌ترین ضرورت‌های پژوهشی در کشور ما می‌باشد که در این مسیر ترجمه کتاب " Handbook of Moral and Character Education " از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. زیرا آقای لری نوچی که اهتمامش به امر تربیت اخلاقی در این کتاب مشهود است با آشنایی کامل به مباحث روانشناسی اخلاق و سایر دانش‌های مورد نیاز در دانش تربیت اخلاقی از مهم‌ترین و توانمندترین افراد در زمینه تربیت اخلاقی است، و بالطبع ترجمه این اثر می‌تواند در پیشبرد اهداف ذکر شده بسیار موثر باشد.

فصل دوم

مدرسه، جامعه و تربیت اخلاقی

کنت آ. استرایک^۳

دانشگاه سیراکوس^۴

^۳ Kenneth A. Strike

^۴ Syracuse University

فصل دوم

مدرسه، جامعه و تربیت اخلاقی

کنت آ. استرایک^۵

دانشگاه سیراکوس^۶

پیوستن به یک زیرمجموعه، و علاقه داشتن به دسته کوچکی که در جامعه به آن تعلق داریم، اولین اصل (به عبارتی، منشاء) عواطف عمومی است. این اولین حلقه از مجموعه چیزهایی است که ما با آن به سوی عشق به کشور و انسانیت پیش می‌رویم. ادموند برک^۷ (۲۰۰۱، ص ۲۴۱).

لذت بردن از آنچه که باید از آن لذت برد، و تنفر از آنچه که باید، بیشترین تأثیر را در ممتاز بودن شخصیت دارد. (ارسطو ۱۹۴۱)

من در این فصل بر روی نقش جامعه در تربیت اخلاقی بحث خواهم کرد، و بر برنامه آموزشی مدارس تأکید می‌کنم. این‌ها با تلقی مباحث آکادمیک به عنوان رویه‌هایی طبق برداشت السدیر مکینتایر^۸ (۱۹۸۱) از این اصطلاح، با هم مرتبط می‌شوند. تربیت ورود به رویه‌ها و ورود به جوامعی است که این رویه‌ها را دنبال می‌کند. ورود به این جوامع مستلزم آموختن هنجارها و بها دادن به خوبی‌هایی است که به رشد و گسترش مفهوم عدالت کمک می‌کنند. من به این فرآیند ورود، با عنوان هنجارسازی اشاره خواهم کرد (گرین^۹ ۱۹۹۹). هنجارسازی موثر نیازمند تایید هنجارها توسط جوامعی است که به اندازه کافی قوی باشند تا قادر به مرجعیت بخشیدن به تأیید خود باشند. به این حال مدارس به ندرت جوامعی قوی هستند و ممکن است گاهی اوقات هنجارهای اشتباه را تایید کنند.

^۵ Kenneth A. Strike

^۶ Syracuse University

^۷ Edmund Burke

^۸ Alasdair MacIntyre

^۹ Green

نقدی اجتماع گرایانه به تحصیل: چرا مدارس در تأیید هنجارها مشکل دارند؟

اجتماع‌گرایان ادعا می‌کنند خوبی‌هایی که شکوفایی و برتری انسان را تشکیل می‌دهند، برتری‌ها و فضیلت‌هایی که تحقق این خوبی‌ها را ممکن می‌سازد، و هنجارهای عدالت که شرایط همکاری عادلانه را برقرار می‌سازند، همگی در اهداف، سنت‌ها و وابستگی‌های جوامع جای دارند. هیچ «دیدگاه ناکجا آباد» (ناگل^{۱۰} ۱۹۸۶) و هیچ اصول همگانی برای همه زمان‌ها و مکان‌ها وجود ندارد. دیدگاه‌ها درباره تربیت اخلاقی که بر آزادی عمل و نقد سنت‌ها تأکید می‌کند اعضای جوامع را به افرادی مطلق و آرمانی تقلیل می‌دهد که تنها مشخصه‌ی آن‌ها آزادی و برابری است (سندل^{۱۱} ۱۹۸۲). آن‌ها سنن و پیوند‌هایی که جوامع را باهم نگه می‌دارد از بین برده و بی‌سامانی و بیگانگی را جایگزین آن‌ها می‌کنند. افرادی که از ریشه‌ها و سنن خود محروم شوند، قربانی بازار، خودمحوران فکری و افراد سلطه‌گرا می‌شوند.

مایکل والزر^{۱۲} (۱۹۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «نقد اجتماع‌گرایانه‌ی لیبرالیسم» خاطرنشان می‌سازد که این نقد اجتماع‌گرایانه به لیبرالیسم دو نسخه دارد. اولین نسخه هدفش رویه‌ی لیبرال است و بر این باور است که رویه‌ی لیبرال دقیقاً نمایان‌گر نظریه لیبرالیسم است. اشتراک‌گرایان تصور می‌کنند که جوامع غربی «مهد افراد منزوی، خودمحوران فکری، و عاملین وجودگرایی است که با حقوق سلب ناشدنی خود تقسیم و حفاظت می‌شوند» (ص ۵۴).

نسخه دوم مدعی است که نظریه لیبرال تصویر غلطی از زندگی واقعی ارائه می‌دهد و انسانی که نظریه لیبرال به تصویر می‌کشد دست نیافتنی است. «مردها و زن‌ها از هر رابطه اجتماعی گسسته می‌شوند، به راستی بدون تراحم هستند، هرکدام فقط و به تنهایی زندگی خود را می‌سازند، آن‌هم بدون هیچ گونه ملاک و معیارهای مشترکی که آن‌ها را برای ساختن زندگی راهنمایی و هدایت کند: این‌ها چهره‌های اسطوره‌ای و افسانه‌ای هستند» (ص ۵۶). والزر خاطر نشان می‌کند که این دو نسخه از نقد اجتماع‌گرایانه با همدیگر ناسازگاراند، اما مدعی است که هرکدام از آنها تا حدودی درست است.

¹⁰ Nagel

¹¹ Sandel

¹² Michael Walzer

بازنمایی لیبرالیسم در نقد اجتماع گرایانه مورد تردید است. تعداد کمی از مدافعان لیبرالیسم هستند که اعتقاد دارند وجود افراد منزوی و بدون تراحم ممکن یا مطلوب است. شرح راولز^{۱۳} از «شخص» در *لیبرالیسم سیاسی* (راولز ۱۹۹۳)، شرح چارلز تیلور^{۱۴} در «سیاست شناخت» (تیلور ۱۹۹۴)، و شرح آنتونی آپیا^{۱۵} در *اخلاق هویت* (آپیا ۲۰۰۵)، همگی این گمانه را مطرح می کنند که هویت ها محصول فرهنگ، سنت و جامعه هستند. راولز مدعی است که خودمختاری از تعهدات لیبرالیسم سیاسی نیست. شرح آپیا درباره خودمختاری، آن را به عنوان چیزی تلقی می کند که بر روی شالوده ی فرهنگ بنا می شود و آنقدر ظرفیت ندارد که یک فرد را از نو بسازد، بلکه مجوزی است برای کشف منابع فرهنگی متنوع و مهاجرت فرد از خاستگاه فرهنگی خود. تعداد کمی از لیبرال های امروزی معتقدند که مردم خود را از نو می سازند یا این که معتقدند خودمحوری فکری و انزوا چیزهای خوبی هستند.

در واقع من شک دارم که توصیف اشتراک گرایانه از لیبرالیسم به صورت رضایت بخشی نظرات بنیانگذاران لیبرالیسم امروزی مانند لاک و میل^{۱۶} را توصیف کند. توصیف لاک (۱۹۶۰) از یک قرارداد اجتماعی یک توصیف تجربی از خاستگاه های جامعه نیست. این توصیف بخشی از توجیه قدرت دولت دموکراتیک است. نکته ی مورد نظر در «وضع طبیعی» انکار وجود هرگونه اقتدار طبیعی و انکار این است که ما برده های طبیعی هستیم، نه انکار این که ما موجودات اجتماعی هستیم. کسی نمی تواند نوشته های لاک درباره تربیت (لاک ۱۹۶۴) یا بردباری مذهبی (لاک ۱۹۴۶) را بخواند و به وضوح در نیابد که لاک مردم را به صورت موجوداتی شکل گرفته به وسیله فرهنگ، سنت و جامعه می بیند.

شاید نزاع بین اجتماع گرایی و لیبرالیسم امروزی بیشتر به ایده اخلاق جهانی ارتباط داشته باشد. مسلماً لیبرالیسم به «دیدگاه از ناکجا آباد» پایبند است، هنجارهایی که مربوط به همه کس در همه جا هستند، و بنابراین هنجارهای فرد به طور خاص نیستند. پس نهایتاً لیبرالیسم همچنان مردم را از خاک اجتماع و سنت ها ریشه کن می کند و از آن ها می خواهد تا از هوای تجرد کلی گرایانه برخوردار شوند.

¹³ Rawls, *Political Liberalism*

¹⁴ Charles Taylor, *The Politics of Recognition*

¹⁵ Anthony Appiah, *The Ethics of Identity*

¹⁶ Locke and Mill

این توصیف نیز مورد تردید است. به عنوان مثال راولز (۱۹۷۱) ادعا می‌کند که روال‌های دخیل در موقعیت و جایگاه اصلی قرار است شهود اخلاقی کسانی را که در جوامع لیبرال دموکراتیک اجتماعی شده‌اند بیان کنند. ساختارگرایی کانتی او بنا ندارد که اصول جهانی از پیش موجود را کشف نماید، بلکه می‌خواهد اصولی را که همه قادر به پذیرش آن باشند ارائه دهد. بیشتر لیبرال‌ها واقعا می‌خواهند باور داشته باشند در جامعه‌ای که ویژگی آن کثرت گرایی پایدار است، هنجارهای عدالت باید برای همه هنجار باشد. آن‌ها چشم انداز متمایزی که ناشی از یک زیرجامعه خاص است را تنها می‌توانند به قیمت ظلم و سلطه منعکس نمایند. با این همه، مردم یقیناً به وسیله جوامع خود شکل می‌گیرند و وابستگی‌ها و پیوندهایشان انگیزه پیدا می‌کنند. هیچ لیبرالیسمی که این حقایق را صرفاً مشکل‌ساز می‌داند و با میزان مناسبی از جهانی شدن به دنبال اصلاح آن‌هاست نمی‌تواند کافی باشد. لذا ترفند این نیست که از دیدگاه «از ناکجا آباد» در برابر جزء گرایی اجتماع‌گرایانه دفاع شود. ترفند ایجاد شکلی از لیبرالیسم است که در آن جامعه، سنت و وابستگی‌ها مهم تلقی می‌شوند، اما عدالت در آن برای همه است.

این طرح یکی از چیزهای است که اجتماع‌گرایان باید در آن مشارکت جویند. یک دیدگاه اجتماع‌گرا که فرهنگ‌ها یا جوامع را دارای انسجام داخلی و به شدت متمایز از یکدیگر می‌بیند و مدعی است که نقد یک فرهنگ یا هنجارهای یک جامعه تنها می‌تواند از درون آن‌ها صورت بگیرد، اولاً در ورطه نسبیت گرایی فرهنگی خواهد افتاد و ثانیاً به ستم به اعضای خود گرایش پیدا خواهد کرد. اولی را انجام خواهد داد زیرا منابع بیرونی انتقاد را رد کرده است. این دیدگاه هم اصول کلی را رد می‌کند و هم عقلانیت دیگر فرهنگ‌ها را. این امر تنها یک فرآیند انتقاد داخلی را باقی می‌گذارد. دومی را انجام خواهد داد زیرا فاقد منابع نقد هنجارهای فرهنگی است که ظلم و سلطه را حفظ می‌کنند.

یک دیدگاه اجتماع‌گرایانه‌ی منسجم باید روشن سازد که نقد هنجارهای فرهنگی چگونه ممکن است. علاوه بر این، اگر بخواهد از یک جنگ فرهنگی همه جانبه جلوگیری کند، باید روشن سازد چگونه فرهنگ‌های مختلفی که فضای مشترکی را اشغال کرده‌اند می‌توانند با یکدیگر در صلح زندگی کنند. تصدیق این نکات به معنای تأیید دیدگاه «از ناکجا آباد» نیست، بلکه شروع جستجویی برای هنجارهای عدالتی است که مردم جوامع مختلف می‌توانند در آن سهم بگیرند. متقابلاً لیبرال‌هایی که دیدگاه از ناکجا آباد را رد می‌کنند باید شرحی از نحوه اعتبارسنجی هنجارهای عدالت ارائه دهند که به آن استناد

نمی‌کند چنین لیبرال‌ها و اجتماع‌گرایانی در حقیقت درگیر یک پروژه مشابه هستند. هردو گروه موافقند که هنجارها از لحاظ فرهنگی ریشه دار بوده و هویت‌ها محصولاتی اجتماعی هستند. هردو به دنبال هنجارهای عدالتی هستند که برای همه هنجار باشد و به دنبال شیوه‌هایی برای شرکت در بحث، انتقاد و گفتگو هستند که از چاه نسبیت‌گرایی و چاله دیدگاه از ناکجا آباد دوری می‌کند.

وقتی تصدیق شود که لیبرال‌ها اعتقاد دارند آنچه مردم را شکل می‌دهد فرهنگ، سنت و جامعه است و هنجارهایی که از محیط اجتماعی خود کسب می‌کنند ممکن است عادلانه یا ناعادلانه باشد، اصیل یا پست باشد، نتیجه آن است که لیبرال‌ها به کیفیت فرهنگ‌ها، سنن و جوامع در دسترس مردم علاقه دارند. این هنجارها همانطور که آپا (۲۰۰۵) می‌گوید، منابعی هستند که زندگی از آن‌ها بوجود می‌آید.

لیبرال‌ها ممکن است فرهنگ را اولین کلمه برای افراد علاقه‌مند به عدالت تلقی کنند، اما این فرضیه را تایید نخواهند کرد که اعتبار این کلمه اول تضمین شده است. از این رو، لیبرال‌ها از آشکال و اعمال فرهنگی که پرورش دهنده شهروندان لیبرال خوبی هستند حمایت خواهند کرد و نگران فرهنگ‌ها، جوامع و سنت‌هایی خواهند بود که ضد لیبرال هستند. آن‌ها در برابر دیدگاه‌هایی که از نقد هنجارهای غیرعادلانه جلوگیری می‌کند مقاومت می‌کنند. آثار فراوان و رو به افزایشی در این باره وجود دارد که بیشتر آن‌ها بر روی مسئله مدارس تمرکز کرده‌اند (برای مثال بینید کالان^{۱۷} ۱۹۹۷ و ماسیدو^{۱۸} ۲۰۰۰).

لیبرال‌ها به برخی دیگر از آشکال و عادات فرهنگی نیز علاقه‌مند هستند. به عنوان مثال راولز (۱۹۷۱) اظهار می‌دارد افراد دارای دو قابلیت هستند که آن‌ها را به عنوان یک فرد مشخص می‌کند: یکی قابلیت درک خوبی و دیگری قابلیت درک عدالت. هردوی این قابلیت‌ها باید رشد و توسعه داده شود. کفایت رشد آن‌ها ممکن است به ماهیت و کیفیت فرهنگ‌ها، سنت‌ها و جوامع در دسترس مردم، و به چگونگی در دسترس مردم قرار گرفتن‌شان بستگی داشته باشد. شهروندان خوب به احتمال کمتری به واسطه‌ی فرهنگ‌های غیرلیبرال پرورش پیدا می‌کنند و زندگی‌های متمدنی بعید است که با فرهنگ‌های فقیر و ضعیف رشد یابد. علاوه بر این، رشد و گسترش شهروندهای خوب و زندگی‌های متمدنی

^{۱۷} Calan

^{۱۸} Macedo

احتمالا به هم گره خورده است. مردمی که مفهومی پست و نازل از فضایلشان به درست آورده اند ، احتمال چندانی ندارد که به شهروندان خوب تبدیل شوند.

اگر یک انتقادی اجتماع گرایانه از لیبرالیسم باشد که ارزش دنبال کردن نیز داشته باشد این است که: ایجاد حس عدالت و مفهومی ارزشمند از خوبی به درونی سازی و اخذ منابع فرهنگی و فکری که در فرهنگ ها، سنت ها و جوامع مختلف ما حیات دارد، متکی است. این فرهنگ ها، سنت ها و جوامع ممکن است کم و بیش ارزشمند، کم و بیش در دسترس و کم و بیش معتبر باشند. لیبرالیسم ممکن است نهادها و شیوه هایی را ایجاد کند که غنای فرهنگ ها، سنت ها و جوامع گوناگون را در دسترس تر ولی کم اعتبار تر می کند. در این صورت، اقتدار اخلاقی و نهایتا انسجام و یکپارچگی جوامع نیرومند ممکن است توسط شیوه ها و نهادهای لیبرال از بین برود.

منابع فرهنگی در دسترس اعضای جوامع لیبرال اغلب خود را بدون هیچ گونه «کنترل کیفیت» ارائه می دهند. مردم باید از بین این منابع فرهنگی انتخاب کنند و این مستلزم قضاوت درباره این است که چه چیزی ارزش دارد و چه چیزی ندارد. خدا، باخ (موسیقی دان آلمانی)، گروه موسیقی هوی متال، شکسپیر، سیگارهای مارلبورو، خودروهای شاسی بلند، موسیقی هیپ هاپ، پلی بوی، فوتبال، آی پد و آبجوی بودوایزر دائما به سمت ما و کودکان ما پرتاب می شوند، آن‌هم بصورت یک مجموعه گیج کننده. این محصولات متنوع فرهنگ مدرن ارزش خود را آشکارا نشان نمی دهند. اغلب آن‌ها که کم ارزش تر هستند به وسیله تاثیرگذارترین روش ها ترویج می شوند. انتخاب عاقلانه و درست از میان این گزینه ها چیزی است که باید آن را آموخت.

آموختن انتخاب عاقلانه و خوب مستلزم تسلط بر هنجارها و ملاک‌های ارزیابی کردن است. کودکان بصورت انسان هایی خردمند متولد نمی شوند. علاوه بر این، ابزارهای عقلانیت، هنجارها و معیارهای ارزیابی خودشان ساخته های فرهنگی هستند که توسط انسان ها ابداع شده اند و از دیگر انسان ها آموخته می شوند.

هنجارها و معیارهای ارزیابی اگر با نوعی تأیید مقتدرانه توسط کسانی که از کودکان مراقبت می کنند ارائه شوند، در همان ابتدا به احتمال زیاد آموخته می شوند. کودکان در مسیر خود به سمت هنجارها و

معیار هایی که موضع شناختی اولیه آن‌ها را نسبت به جهان فراهم کرده و آن‌ها را در قضاوت درباره آنچه ارزشمند است قادر می سازد، فکر نمی کنند (و من معتقدم نمی توانند فکر کنند). آن‌ها بخش اعظمی از «دیدگاه معرفتی» خود را ابتدائاً از خانواده و سپس از جوامع و فرهنگ های گوناگونی که در زندگی با آن‌ها مواجه می شوند فرا می گیرند. عضویت در این گروه هاست که تایید مقتدرانه اولیه برای معیارهای قضاوت را ارائه می دهد. این حقیقت اصلی اجتماع گرایی است.

اگر این گفته درست باشد، آنگاه لازم است جوامع لیبرال مراقب باشند که کودکان در معرض جوامعی قرار بگیرند که ارزش های اصیل را به آن‌ها ارائه می دهند و مطمئن شوند که این جوامع ظرفیت ارائه ی یک تایید مقتدرانه از هنجارهای ارزشمند را دارند. البته در جوامع لیبرال که مشخصه ی آن‌ها کثرت گرایی پایدار است، اختلافات زیادی راجع به این که چه چیزی واقعاً ارزشمند است وجود دارد و یک نگاه لیبرالی به عدالت به درستی توانایی دولت برای انجام تایید بسیار آمرانه را مهار می کند. از این رو، این پیشنهاد به درستی با شک و تردید ملاحظه می شود. اما با ما همراه باشید.

جوامع مدرن ممکن است توانایی و قابلیت اجتماعات سازنده خود را در ارائه ی تاییدیه معتبر تضعیف کنند. مردم با بسیاری از جوامع ارتباط ضعیفی دارند. کلیسا باید با باشگاه اسکی و تلویزیون رقابت کند. خانواده ها اغلب در سراسر قاره پراکنده هستند. کودکان بخش زیادی از زندگی خود را در مدارس می گذرانند، اما مدارس به طور معمول فرهنگ هایی پراکنده را ارائه می دهند. معلمان در مجموع به ندرت یک دیدگاه منسجم یا یکپارچه از آنچه حتی در مورد موضوعات خاص خودشان نیز ارزش دارد مطرح می کنند. ریاضیات برای جلب توجه با ادبیات، موسیقی و ورزش رقابت می کند. همه این تأثیرات با اشکال مختلفی که فرهنگ جوانان می تواند به خود بگیرد، رقابت می کنند. همان طور که جکسون، بوستروم و هانسن^{۱۹} (۱۹۹۳) به ما یادآوری کرده اند، مدارس زندگی اخلاقی پیچیده ای دارند، اما صدایی که مدرسه با آن صحبت می کند احتمالاً صدای هیاهو و مهمه است.

¹⁹ Jackson, Boostrom, and Hansen